

اسرائیل، «حکومت تبهکار»؟

فاضل غیبی

آیا مایلید بدانید که در جنگ اسرائیل و حماس کدام طرف پیروز خواهد شد؟ و یا برقراری صلحی پایدار در خاورمیانه به تشکیل حکومت مستقل فلسطینی بستگی دارد؟ ...

برای ارزیابی چنین روندهای پیچیده‌ای از آشنایی با دستاوردهای علوم اجتماعی ناگزیریم. در این نوشتار با اشاره به تنها دو نکته ساده خواهم کوشید تصویری از اسرائیل و «قوم برگزیده» نشان دهم تا شاید ورای تبلیغات رسانه‌ای نسبت به آینده خاورمیانه نگاهی روشن‌تر بیابیم.

نکته نخست همانا به مقایسه اجمالی بین جامعه و نظام سیاسی اسرائیل با کشورهای همسایه‌ای برمی‌گردد که با این کشور نوبنیاد دشمنی ورزیده‌اند و کم و بیش هنوز می‌ورزند. یکی از موارد بارز این مقایسه آن است که از همان روز نخست تأسیس کشور اسرائیل و تجاوز بی‌درنگ همه کشورهای عرب همسایه به «کشوری» که هنوز ارتش منسجمی نداشت، تا به امروز که اسرائیل هشت جنگ بزرگ را پیروزمندانه پشت سر گذاشته است با پدیده‌ای نوین و شگرف در تاریخ روبرویم؛ شگرف از این نظر که چگونه چند ده‌هزار یهودی آواره و جان بدر برده از اردوگاه‌های مرگ هیتلری توانستند در طول فقط نیم قرن کشوری را پدید آورند که از هر جنبه قابل تصور یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا به شمار می‌رود!

شاید جالب نظر باشد که بدانیم اسرائیلیان در نخستین جنگ برای واپس راندن تجاوز همسایگان با استفاده از جنگ‌افزارهایی پیروز شدند که چکسلواکی به دستور استالین در اختیار آنان قرار داد؛ زیرا در آن زمان اکثریت یهودیان اروپایی تمایلات چپ‌گرایانه داشتند و استالین بر این تصور بود که بتواند اسرائیل را در آینده به پایگاهی برای بلوک شرق در خاورمیانه بدل کند. اما دیری نپایید که اسرائیلیان جلب پشتیبانی غرب را گزینه بهتری برای تحقق منافع ملی خود تشخیص دادند و با این چرخش به دشمنی کمونیست‌ها با خود در سراسر دنیا دامن زدند! درباره رمز موفقیت اسرائیل بسیار سخن گفته‌اند، اما اگر نمی‌توان به افسانه «برگردگی قوم یهود» باور داشت، باید کاربرد خرد جمعی و تکیه بر ویژگی‌های نظام دموکراسی را به عنوان دو عامل اصلی برای پیشرفت اسرائیل در نظر گرفت.

از این نظر آشنایی با امتیازات دموکراسی در اسرائیل برای ما ایرانیان در راه تحقق آینده‌ای دموکراتیک نیز آموزنده خواهد بود. این ویژگی تعیین‌کننده که بیشتر به شکلی مخدوش به تصویر کشیده می‌شود، اسرائیل را به نمونه درخشان پیشرفتگی نظام دموکراسی و برتری آن بر همه نظامات خودکامه تبدیل می‌کند. دشمنان دموکراسی ویژگی اصلی آن را به صندوق رأی کاهش می‌دهند تا بتوانند با برگزاری انتخابات نمایشی برای حکومت خود «مشروعیت» دست و پا کنند؛ اما شاخص تعیین‌کننده دموکراسی رعایت حقوق خدشه‌ناپذیر شهروندی است و اگر این ویژگی تحقق یافته باشد حتی در نبود دیگر «الزامات دموکراسی» ما کماکان شاهد نظامی دموکراتیک هستیم.

نمونه آنکه، آیا می‌دانستید که نه تنها اسرائیل، بلکه انگلستان نیز به عنوان نخستین دموکراسی دوران نوین، هیچ‌یک «قانون اساسی» ندارند، در حالی که همه نظام‌های توتالیتر، از نوع هیتلری و استالینی گرفته تا چینی و اسلامی همگی، فراتر از قانون اساسی از «مشروعیت انتخاباتی و قانونی» بالایی برخوردار بودند؟

در این راستا، از جمله دستاوردهای بزرگ اسرائیل را باید پرورش شهروندان به موازین دموکراسی دانست، که نه تنها در میان یهودیان گرد آمده از کشورهای آسیایی و آفریقایی، بلکه در میان پیروان دیگر ادیان گسترش یافته و بر بنیان جدایی دین از دولت نهادینه گشته است.

کوتاه سخن آنکه، هرچند هیچ جامعه و حکومتی از نارسایی و اشتباه برکنار نیست و نمی‌تواند باشد، تفاوت بارز دموکراسی با رژیم‌های ایدئولوژیک در همین است که چون دموکراسی بر اراده آزاد و پشتیبانی قاطع شهروندان استوار است، همانند لکوموتیوی توانمند تمامی موانع پیش رو را از سر راه خود برمی‌دارد، در حالی که در کشورهای غیر دموکراتیک، از آنجا که حداکثر بخشی از جامعه پشتیبان حکومت هستند، همبستگی ملی و انرژی لازم برای غلبه بر نارسایی‌ها فراهم نمی‌آید و تدابیر پیشرفت‌خواهانه ظاهری و ناپایدار اند.

بنابراین دموکراسی تنها یکی از نظام‌های ممکن در میان دیگر پروژه‌های سیاسی نیست، بلکه تنها نظام واقعاً پایدار بر بنیان انسان‌دوستی است. و درست بدین سبب که از پشتیبانی چالشگرانه و فعال اکثریت جامعه برخوردار است (حتی اگر تنها سی درصد مردمان پای صندوق رأی بروند) شکست‌ناپذیر می‌باشد. چنانکه امروزه در کنار هفت میلیون شهروند یهودی، دو میلیون شهروندان عرب و نیم میلیون وابستگان به دیگر گروه‌های قومی، در همبستگی با هم از همه حقوق شهروندی برخوردارند و به همه وظایف مدنی خود رفتار می‌کنند.

چنین همبستگی شهروندی نیز در دیگر کشورهای دموکراتیک باعث می‌شود، که تا کنون هیچ حکومت دموکراتیکی سرنگون نشده و هیچ کشور دموکراتیکی با شکست نظامی نابود نگشته و اگر در مواردی هم (مانند کشورهای اروپایی تحت اشغال فاشیسم) برای مدتی به تصرف خارجی درآمده، اما از میان نرفته است.

حال از پی این نگاه گذرا به برخی ویژگی‌های دموکراسی می‌توان به پرسش‌آغازین بازگشت و در پاسخ به یقین ادعا کرد که اسرائیل نه تنها نابود نخواهد شد بلکه در پیامد هر حمله تروریستی یا نظامی، قوی‌تر می‌گردد و نیز کشورهای پیرامون این سرزمین و به طور مشخص کشورهای عربی به موازات پیشرفت اجتماعی و اقتصادی، خود را ناگزیر از نزدیکی هر چه بیشتر به اسرائیل به عنوان موتور پیشرفت در منطقه خواهند دید. به عبارت دیگر، کشوری که از ابتدای پیدایش همواره با دشمنی و حملات نظامی، تروریستی، اقتصادی و دیپلماتیک روبرو بوده، امروزه روز به جایی رسیده است که همسایگانش ناچار از همزیستی با آن هستند، زیرا چنان‌که در ماه‌های گذشته «جنگ غزه» نشان داد، هرگونه رفتار خشونت‌آمیز با این کشور پیامدهای پرخسروانی به همراه خواهد داشت.

اما در سوی دیگر، فلسطینی‌ها زیر چیرگی سازمان‌های خودکامه «ساف» و «حماس» نه تنها از درک و پیگیری منافع خود بازمانده‌اند، بلکه در آینده نیز هرچه بیشتر در منجلاب تفرقه، فساد و ترور فرو خواهند رفت. از این چشم‌انداز، کشورهای منطقه در ورای برخوردها و قربانی‌های بسیار ناگزیر به پذیرش و گسترش «پیمان ابراهیم» و دست زدن به تغییرات سیاسی و اجتماعی خواهند بود.

با این‌همه میزان تکاپوی جامعه اسرائیل در تاریخ ۷۵ ساله خود چندان از هر کشور دموکراتیک دیگری بیشتر بوده است که شناخت آن فصلی نوین در علوم اجتماعی و تئوری سیاسی می‌گشاید.

مثلاً این پدیده شگفت‌انگیز که جامعه اسرائیل با وجود حملات تروریستی بی‌امان و مشکلات امنیتی جانکاه، در مقایسه جهانی (بنا به World Happiness Report) چهارمین جامعه خوشبخت دنیا به شمار می‌رود! ناظران و آگاهان علت این پدیده شگرف را از دو منظر بررسی و تفسیر می‌کنند: یکی همبستگی ملی بی‌نظیری که ریشه در «تجربه تلخ» هولوکاست و کشتار میلیون‌ها یهودی بی‌گناه و بی‌دفاع دارد، که باعث شد تا اسرائیلیان بدین خودآگاهی مشترک دست یابند که «دیگر هیچ‌گاه اجازه نخواهیم داد، چنین سرنوشتی تکرار شود!»

از سویی دیگر این مهم ریشه در هویت یهودی دارد که هر چند بیش از نود درصد آنان یهودیت را نه دین اعتقادی، بلکه به عنوان هویت و سرنوشت تاریخی مشترک درک می‌کنند، در عین حال به ویژگی‌های اجتماعی و پرورشی مشترکی نیز پایبند هستند. البته این ویژگی‌های پرورشی که موجب پیدایش رشک‌انگیزترین همبستگی اجتماعی و ملی در دنیا شده است هنوز به درستی شناخته نشده‌اند.

در اینجا و تنها برای آنکه نمونه‌ای ملموس به دست داده باشم به نقش پرورشی مراسم «شبات / شنبه» یا «سبت» در زندگی اجتماعی یهودیان اشاره می‌کنم. بنا بر این مراسم آیینی، خانواده‌های یهودی هر شب شنبه گرد هم می‌آیند و با خوراک و نوشاک هفته را به پایان می‌برند. نکته مهم آنکه، هر یک از آنان در این گردهمایی درباره آنچه در طول هفته کرده است با دیگران به گفت و شنید می‌نشینند و رفتار خویش را در بوته نقد مهرآمیز خانواده قرار می‌دهد و بدین تدبیر هم پیوندهای خانوادگی و گروهی استوار می‌گردد و هم فرد به خودآگاهی و رشد شخصیت دست می‌یابد.